تبرئه ۲ پسر جوان در مرگ ۲ خواهر

دو پسر جوان که به نقش‌داشتن در مرگ دو خواهر متهم شده‌بودند، حکم برائت گرفتند.

ساعت ۵ بامداد سی‌ام تیرماه امسال حادثه سقوط از بلندی به مأموران پلیس تهران گزارش شد.

محل حادثه یکی از برج‌های شهرک شهید بهشتی در منطقه حکیمیه بود که در جریان آن دو دختر ۱۳ و ۱۴ ساله بعد از سقوط از طبقه ۱۹ برج فوت شده‌بودند. بررسی‌های تیم جنایی نشان داد دو دختر نوجوان خواهر هستند که بعد از جدایی والدین‌شان در طبقه نهم یکی از برج‌ها زندگی می‌کنند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی بررسی‌های بیشتری در این‌باره انجام و مشخص شد دو خواهر ساعت‌ها قبل از خانه بیرون رفته و به تماس‌هایشان هم جواب نمی‌دادند که کشف اجسادشان به پلیس گزارش می‌شود. در شاخه دیگری از بررسی‌ها کارآگاهان احتمال دادند دو خواهر شب را به پشت‌بام رفته و تا ساعت ۵ بامداد یعنی زمان سقوط از ساختمان در همان محل حضور داشتند.

چند روز بعد از حادثه و در حالی که تحقیقات در جریان بود، مادر دو نوجوان وارد دادسرای امور جنایی تهران شد و گفت فیلم دوربین‌های مداربسته ساختمان‌های اطراف را بررسی کرده و متوجه شده‌است شب حادثه دخترانش سوار خودروی سواری شدند که راننده و سرنشین آن دو پسر جوان بودند. او گفت احتمال می‌دهد آنها دخترانش را به قتل رسانده و اجساد را از بلندی ساختمان به پایین انداخته‌اند.

بعد از مطرح شدن شکایت علیه دو پسر جوان مأموران آنها را شناسایی و دستگیر کردند. آنها وقتی مورد تحقیق قرار گرفتند، گفتند شب حادثه دختران نوجوان را سوار کرد و ساعتی با هم تفریح و بعد آنها را مقابل ساختمان محل زندگی‌شان پیاده کرده‌اند. یکی از آنها گفت: من و دوستم با دو خواهر در اینستاگرام آشنا شدیم. متوجه شدیم والدین‌شان از هم طلاق گرفته‌اند و به تنهایی زندگی می‌کنند و شرایط زندگی خوبی ندارند. همین طور متوجه شدیم آنها یک‌بار قصد خودکشی داشتند، اما نگهبان ساختمان سررسیده و مانع خودکشی‌شان شده بود. آن شب هم حرفی از خودکشی نزدند و نمی‌دانستیم که قصد خودکشی دارند. بازپرس پرونده بعد از بررسی اوراق پرونده در رابطه با اتهام قتل عمدی، قرار منع تعقیب صادر کرد. با اعتراض متهمان پرونده در شعبه چهارم دادگاه یک کیفری استان تهران بررسی شد و قضات دادگاه بعد از بررسی اوراق پرونده آنها را از اتهام نقش داشتن در مرگ دو خواهر تبرئه کردند، اما به دلیل ارتباط با دو خواهر بازداشت شدند.

کلاهبرداری ۳۰۰ میلیاردی با پیش‌فروش خودروهای سنگین

اعضای یک باند که با وعده پیش‌فروش خودروهای سنگین ۳۰۰ میلیارد تومان از ۳۰۰ متقاضی کلاهبرداری کرده‌بودند، بازداشت شدند.

سردار کیومرث عزیزی، فرمانده انتظامی غرب استان تهران گفت: مأموران پلیس آگاهی شهرستان اسلامشهر با دریافت گزارش‌های مشابه درباره کلاهبرداری با وعده پیش‌فروش خودروهای سنگین در این‌باره تحقیق کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که اعضای باند با راه‌انداختن تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی متقاضیان را فریب داده و از آنها کلاهبرداری کرده‌اند.

یکی از شاکیان گفت: با دیدن تبلیغ پیش‌فروش خودروی سنگین در یکی از صفحه‌های اینستاگرام با دفتر فروش تماس گرفتم و بعد راهی دفتر شدم. مسئول پذیرش گفت ابتدا باید ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان به عنوان پیش‌پرداخت به شماره حساب اعلام شده واریز کنم و خودرو در کمتر از سه ماه با تسهیلات وام واگذار می‌شود که تصمیم به خرید گرفتم.

بعد از واریز کردن پول منتظر تماس شرکت ماندم، اما بعد از گذشت زمان مورد نظر خبری از تماس نشد، برای همین با دفتر فروش تماس گرفتم، اما کسی جواب نداد. بعد راهی دفتر و متوجه شدم دفتر تخلیه شده و عده‌ای مالباخته تجمع کرده‌اند. آنجا بود که فهمیدم در دام کلاهبرداران گرفتار شده‌ام.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها، مأموران پلیس مخفیگاه مدیر عامل شرکت در یکی از شهرهای استان مازندران شناسایی و متهم قبل از فرار به خارج از کشور بازداشت شد.

مأموران پلیس همچنین در جریان عملیات دیگر سه نفر از عاملان پرونده را در شهرستان‌های غرب تهران بازداشت کردند. سردار کیومرث عزیزی، فرمانده انتظامی غرب استان تهران با بیان اینکه تاکنون ۳۰۰ نفر از شاکیان پرونده شناسایی شده‌اند، گفت که تحقیقات در این‌باره جریان دارد.

بازداشت شاگردان ننه لیلای سارق در یک هتل پایتخت

■ آرمین بینا

دو خواهر و یکی از دوستانشان که در یکی از شهرهای شرقی کشور نزد سارق معروفی به نام ننه‌لیلا آموزش دیده بودند و برای سرقت گوشی به تهران می‌آمدند توسط یکی از قربانیانشان در هتل شناسایی و بازداشت شدند.

اوایل تابستان ۱۴۰۲، زن جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از سرقت گوشی تلفن همراهش شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل از محل کارم در شرق تهران بیرون آمدم و برای رفتن به خانه به سمت ایستگاه اتوبوس‌های تندرو رفتم. ایستگاه شلوغ بود، وقتی سوار شدم، جایی برای نشستن نبود و مجبور شدم تا مقصد سرپا بمانم. ایستگاه بعدی مسافران دیگری سوار شدند، به‌طوری که داخل اتوبوس جای سوزن انداختن نبود. وقتی در مقصد پیاده شدم، فهمیدم تلفن همراهم سرقت شده است. داخل اتوبوس زنی به من تنه زد و بعد هم عذر خواهی کرد و ایستگاه بعدی او و دو زن دیگر که به نظر می‌رسید با هم بودند از اتوبوس پیاده شدند. من احتمال می‌دهم آنها تلفن همراه مرا سرقت کرده‌اند.»

■ **سرقت‌های سریالی در مترو و اتوبوس**

با شکایت زن جوان، تیمی از مأموران پلیس برای شناسایی سارقان وارد عمل شدند. مأموران در نخستین گام با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت، گوشی‌های مسافران زن اتوبوس‌های تندرو و متروی تهران و کرج از سوی چند زن سارق به صورت حرفه‌ای سرقت می‌شود. بررسی‌ها نشان داد سارقان در ساعت‌های شروع و پایان کار ادارات که کارکنان و کارگران راهی خانه‌هایشان می‌شوند به عنوان مسافر به داخل اتوبوس‌های تندرو و مترو می‌روند. عاملان سرقت که سه زن بودند، یکی از آنها به مسافری تنه می‌زند و دو همدست وی هم اقدام به سرقت گوشی همان مسافر می‌کنند.

■ **بازداشت در هتل**

هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، اما سارقان حرفه‌ای عمل می‌کردند و هیچ ردی از خود به‌جای نمی‌گذاشتند تا اینکه چند روز قبل زن جوان شهرستانی که اتاقی را در هتلی برای چند روز اجاره کرده بود راز سرقت‌های سریالی گوشی‌های مسافران مترو و اتوبوس‌های تندرو را برملا کرد.

زن جوان که صبح گوشی‌اش داخل اتوبوس تندرو سرقت شده بود، وقتی برای استراحت به هتل رفت داخل لابی آن یکی از سارقان را شناسایی کرد و سارقان را قبل از فرار به دام انداخت. زن جوان به مأموران گفت: «صبح داخل اتوبوس شهری بودم که سه زن سوار شدند و یکی از آنها به من تنه زد و بعد هم هر سه در ایستگاه بعدی پیاده شدند. لحظاتی بعد فهمیدم گوشی‌ام سرقت شده است و متوجه شدم زنی که به من تنه زد همراه دو همدستش گوشی‌ام را سرقت کرده‌اند. چهره او در خاطرم بود و وقتی برای استراحت به هتل آمدم، همان زن را داخل لابی هتل دیدم و با داد و فریاد از کارکنان هتل درخواست کمک کردم و به پلیس خبر دادم. سارقان می‌خواستند فرار کنند، اما من مانع آنها شدم تا مأموران سر رسیدند. سپس مأموران پلیس، سه زن سارق را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. سه متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند.

■ **سارقان چمدانی**

شهلا، سردسته باند چند سال قبل باند سرقت را با همدستی خواهر کوچک‌ترش و یکی از دوستانش تشکیل می‌دهد و از شهرستان برای سرقت به تهران می‌آیند.

شهلا سابقه داری؟

بله، من، خواهرم و دوستمان چند بار به اتهام سرقت دستگیر شده و به زندان افتاده‌ایم.

چه شد که از شهرستان برای سرقت به تهران می‌آمدید؟

سوابق ما مربوط به شهرستان بود و ما خیلی زود در شهرستان شناسایی می‌شدیم و به دام می‌افتادیم، به همین دلیل تصمیم گرفتیم از تابستان سال قبل به تهران بیاییم و به خاطر همین هم پلیس تهران موفق به شناسایی ما نشد، چون در تهران سابقه‌ای نداشتیم. از طرفی تهران شهر شلوغی است و مترو و اتوبوس‌های شهری‌اش مملو از جمعیت است و به راحتی می‌شود سرقت کرد.

فقط داخل اتوبوس و مترو سرقت می‌کردید؟

بله، معمولاً داخل اتوبوس و مترو سرقت می‌کردیم. البته در بازار و مراکز خرید هم که برای خرید می‌رفتیم اگر موقعیت را برای سرقت مناسب می‌دیدیم دست به سرقت می‌زدیم، اما سرقت‌های اصلی ما از مسافران مترو و اتوبوس بود.

درباره شیوه سرقتتان توضیح بده؟

ما سه نفری به عنوان مسافر سوار مترو یا اتوبوس‌های تندرو می‌شدیم. خواهرم وظیفه‌اش این بود که به طعمه تنه بزند و دوستم هم وظیفه‌اش پرت کردن حواس طعمه و اطرافیانش بود و من هم به صورت حرفه‌ای گوشی را سرقت می‌کردم و اصلاً هم کسی متوجه نمی‌شد، به‌طوری که یا موقع پیاده شدن یا زمانی که به خانه‌اش می‌رسید، تازه می‌فهمید گوشی‌اش سرقت شده است.

چطور حرفه‌ای شدی؟

من، خواهرم و دوستم در شهرستان آموزش سرقت دیدیم. سارق حرفه‌ای به نام ننه‌لیلا در شهرمان با من آشنا بود. او به ما آموزش سرقت داد، حتی چند باری به صورت عملی با ننه‌لیلا به سرقت رفتیم و به صورت حرفه‌ای سرقت را یاد گرفتیم.

چه شد که تصمیم گرفتید سارق شوید؟

از روی ناچاری. شوهرم در کار خرید و فروش مواد بود و بعد از مدتی هم کارتن‌خواب شد و من و بچه‌هایم آواره کوچه و خیابان شدیم. از طرفی دوستم هم شوهرش بدهی بالا آورد و طلاق گرفت. برای هزینه زندگی با مجرم حرفه‌ای به نام ننه‌لیلا آشنا شدیم و او هم به ما آموزش سرقت داد. ننه‌لیلا سارقان زیادی را آموزش داده بود تا اینکه چند سال قبل فوت کرد. پس از فوت ننه‌لیلا تصمیم گرفتیم سه نفری برای سرقت به تهران بیاییم. ما معمولاً یک هفته تا ۱۰ روز در تهران اتاقی را در هتلی اجاره می‌کردیم و بعد از تعدادی سرقت به شهرمان برمی‌گشتیم. وقتی آب‌ها از آسیاب می‌افتاد، دوباره به تهران می‌آمدیم و شروع به سرقت می‌کردیم.

درآمد خوبی داشتید که در هتل می‌ماندید؟

درآمدمان خوب بود. معمولاً گوشی‌های سرقتی را از ۵ تا ۴۰ میلیون تومان می‌فروختیم، اما بدشانس هستیم.

چرا بدشانس؟

الان چهارمین بار است که دستگیر می‌شویم و هر بار هم بدشانسی می‌آوریم. مثلاً همین بار آخر که مالباخته هم در همان هتلی که ما اتاق اجاره کرده بودیم، او هم اتاق اجاره کرده بود و ما را شناسایی کرد، وگرنه به این زودی‌ها شناسایی و بازداشت نمی‌شدیم.

حرف آخر؟

می‌خواهم توبه کنم و وقتی آزاد شدم راه درستی را برای زندگی‌ام انتخاب کنم.

شوخی به فحاشی و قتل انجامید

■ غلامرضا مسکنی

تبعه بیگانه که متهم است به‌خاطر یک شوخی، هموطن خود را در بازار تره‌بار به قتل رسانده به جرمش اعتراف کرد.

عصر روز جمعه ۱۸ آبان‌ماه، قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های جنوب پایتخت باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در بیمارستان با جسد خونین پسر ۲۲ ساله‌ای به نام بشیر روبه‌رو شد که با دو ضربه چاقو به قفسه سینه و شکمش به قتل رسیده بود.

■ **کارگر میوه و تره‌بار**

بررسی‌ها نشان داد بشیر از اتباع و کارگر میدان میوه و تره‌بار منطقه خانی‌آباد بوده و چند ساعت قبل در درگیری با یکی از هموطنانش به نام مسعود به قتل رسیده است. به گفته شاهدان، مقتول در قسمت فروش سیب‌زمینی در میدان تره‌بار کار می‌کرد و قاتل هم در قسمت فروش میوه کارگری می‌کرد که چند ساعت قبل در یکی از اتاق‌های استراحت کارگران با هم درگیر می‌شوند و حادثه خونین را رقم می‌زنند. بدین ترتیب مأموران مسعود ۲۱ ساله را به عنوان قاتل فراری تحت تعقیب قرار دادند، اما ردی از متهم پیدا نکردند.

■ **بازداشت در بیمارستان**

تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت تا اینکه مأموران از طریق راننده یک خودرو دریافتند متهم برای درمان زخم‌هایش به بیمارستان رفته است. متهم در درگیری با مقتول زخمی می‌شود و پس از حادثه وسایلش را جمع می‌کند با خودروی عبوری برای درمان به یکی از بیمارستان‌ها می‌رود. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران راهی بیمارستان شدند و مسعود را در حالی که زخم‌های بدنش پانسمان شده و در قسمت مالی در حال تسویه‌حساب بود، دستگیر کردند.

■ **شوخی مرگبار**

قاتل که تصمیم داشت پس از پانسمان زخم‌هایش از کشور فرار کند، وقتی در دام مأموران گرفتار شد به قتل هموطنش اعتراف کرد. متهم گفت: «چند سال قبل تعدادی از بستگانم از افغانستان برای کار به ایران آمدند. یکی، دو نفر از آنها در میدان تره‌بار کار می‌کردند و تلفنی که با آنها ارتباط داشتم، فهمیدم دستمزد خوبی دارند و پول زیادی پس‌انداز کرده‌اند. من هم تصمیم گرفتم برای کار به ایران بیایم. یک سال قبل با دادن مبلغی به قاچاقچیان انسان به صورت غیرقانونی وارد ایران شدم و برای کار به تهران آمدم. یک سال است که در میدان تره‌بار کار می‌کنم و دو هفته قبل به قسمت فروش میوه منتقل شدم. مقتول هم مدتی قبل برای کار به میدان تره‌بار آمد و در قسمت فروش سیب‌زمینی کار می‌کرد. از آنجایی که من سابقه‌دار بودم، او تلاش می‌کرد خودش را به من نزدیک و ارتباط دوستانه برقرار کند. امروز صبح او با من شوخی می‌کرد که در جریان شوخی فحاشی کرد. خیلی عصبانی شدم و با هم درگیر شدیم. مقتول با چاقو به من حمله و مرا زخمی کرد. او را هل دادم که زمین خورد و چاقو از دستش افتاد. وقتی چاقو را از روی زمین برداشتم به سمتم حمله کرد تا چاقو را بگیرد که در دفاع از خودم دو ضربه به او زدم. سپس از ترس وسایلم را جمع کردم تا به افغانستان بروم، اما قبل از فرار برای پانسمان زخم‌هایم به بیمارستان رفتم و در بیمارستان دستگیر شدم.»

متهم به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مهار آتش هتل رامتین بدون تلفات جانی

حادثه آتش‌سوزی هتل رامتین تهران با تلاش آتش‌نشانان بدون تلفات جانی مهار شد. این حادثه ۲۹ مصدوم داشت و علت آن در دست بررسی است.

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران به «جوان» گفت: ساعت ۹ دقیقه بامداد آتش‌نشانان پنج ایستگاه بعد از دریافت خبر آتش‌سوزی در هتل رامتین راهی محل حادثه در خیابان ولی‌عصر، حوالی پارک ساعی شدند. اولین بررسی‌ها همزمان با ایمن‌سازی محل نشان داد که آتش‌سوزی در آشپزخانه طبقه اول هتل پنج طبقه اتفاق افتاده و در حال سرایت به سایر قسمت‌های ساختمان است.

بررسی‌ها همچنین نشان داد که بسیاری از میهمانان در اتاق‌هایشان حبس شده‌اند و دود فضای هتل را احاطه کرده‌است. امدادگران همزمان با تلاش برای مهار آتش بیش از ۴۰ نفر را از طریق راه‌پله‌ها و نردبان هیدرولیکی از طریق پنجره‌ها یا پشت بام از ساختمان خارج کردند. سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت که خوشبختانه حادثه تلفات جانی نداشت و علت آن در دست بررسی است.

شروین تبریزی، سخنگوی اورژانس تهران گفت که حادثه ۲۹ مصدوم داشت که ۲۲ نفر در محل درمان و هفت نفر به مراکز درمانی منتقل شدند.

یادداشت

مشترک مورد نظر در دسترس است

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

باید بررسی شود چرا داروهایی که با ادعای ترک اعتیاد یا لاغری در شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ می‌شود به راحتی در آرایشگاه‌های زنانه توزیع و منجر به اعتیاد مصرف‌کنندگان می‌شود؟ تبلیغات مؤثرترین راه فروش کالا محسوب می‌شود؛ با این حال باید دید آیا هر محصولی که تبلیغ می‌شود مجوز قانونی برای مصرف را هم دریافت کرده‌است یا خیر؟ روشن است شبکه‌های ماهواره‌ای یا مجازی هدفی جز کسب درآمد ندارند، برای همین بدون در نظر گرفتن مجاز یا غیرمجاز بودن محصول، هزینه تبلیغ را از سفارش‌دهنده دریافت و برای محصول تبلیغ می‌کنند.

تبلیغ این محصولات در حالی صورت می‌گیرد که سازمان غذا و دارو صلاحیت هیچ‌یک از داروهای تبلیغ شده در شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی را تأیید نکرده‌است. سازمان پزشکی قانونی کشور هم نسبت به استفاده از داروهای اعتیاد آور در آرایشگاه‌های زنانه هشدار می‌دهد. عمده این داروها به عنوان داروهای لاغری، بدنسازی و ترک اعتیاد در شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ یا توسط افراد و آرایشگاه‌های زنانه در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد. براساس گزارش این سازمان این دسته از داروها حاوی ترکیبات مواد مخدر است که مصرف‌کننده را معتاد می‌کند که مجدداً به سمت مصرف داروها روی بیاورد و هزینه‌های بیشتری را برای خرید صرف کند. این داروها هیچ‌گونه برچسب استاندارد و اصالت ندارند و زیر نظر وزارت بهداشت تولید نمی‌شوند و افراد سودجو به قصد تأمین درآمد بیشتر نسبت به توزیع آنها اقدام می‌کنند.

شهروندان باید در نظر داشته باشند همه محصولاتی که مجوزهای قانونی را دریافت می‌کنند در داروخانه‌ها قابل دسترس هستند و تجویز آن از سوی پزشک می‌تواند منجر به بهبود سلامت مصرف‌کننده شود. استفاده از چندین قرص یا شربت برای لاغر شدن یا ترک اعتیاد فقط تبلیغی است که برای فروش محصول انجام می‌شود. بسیاری از خانواده‌ها ترجیح‌شان این است فرد معتاد با مصرف چند بسته قرص سلامت دوباره خود را پیدا کند، اما این فرض بیش از اینکه حقیقی باشد، آرمانی است که اگر این موضوع مصداق داشت، اعتیاد باید در جامعه ریشه‌کن می‌شد. این موضوع در مورد لاغری‌ها هم مصداق دارد که اگر با مصرف چند بسته قرص افراد چاق به لاغر تبدیل می‌شدند، افراد از چاقی رنج نمی‌بردند، بنابراین افرادی که به دنبال تهیه این قرص‌ها هستند، بهتر است بدانند به مصرف این داروها هم اعتیاد پیدا می‌کنند و معضل دیگری هم به معضلات قبلی‌شان اضافه خواهد شد. موضوع دیگر مربوط به ضرورت برخوردهای قانونی با شبکه‌های قاچاق این داروها است. روشن است پل ارتباطی سوداگران این بازار با دنبال کردن شماره‌تماس‌هایی که از سوی شبکه‌ها اعلام می‌شود و پول‌هایی که در شبکه‌های بانکی جابه‌جا می‌شود، به راحتی قابل دنبال کردن است و اینکه محصولات همواره از راه بازار سیاه به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد، نشان می‌دهد قانون اراده‌ای برای برخورد ندارد که جای شگفتی است.

فرار پس از قتل در پارک ستارخان

درگیری دو تبعه بیگانه در پارک ستارخان تهران به قتل یکی از آنها منجر شد.

روز گذشته وقتی تیم جنایی از حادثه قتل داخل اتاقک نگهبانی پارک ستارخان باخبر و در محل حاضر شد، با جسد مرد جوانی به نام بهرام روبه‌رو شد که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود.

پس از شناسایی هویت مقتول، مشخص شد وی دوست نگهبان پارک بوده و لحظاتی قبل برای دیدن دوستش به پارک آمده است. مقتول داخل اتاقک نگهبانی پارک بوده که ناگهان دو مرد نقابدار وارد اتاقک نگهبانی می‌شوند و او را به قتل می‌رسانند و از محل فرار می‌کنند. دوست مقتول که شاهد ماجرای خونین بود به مأموران گفت که عاملان قتل را نشناخته است و قاتلان خیلی سریع در درگیری دوستش را به قتل رسانده و در کمتر یک دقیقه هم از پارک گریخته‌اند.

همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی، تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عاملان قتل آغاز کردند.

مرگ خاموش با اجاق گاز

روشن کردن اجاق گاز برای گرم کردن خانه به قیمت جان صاحب‌خانه تمام شد.

سرهنگ حسین اصانلو، فرمانده انتظامی شهرستان سلطانیه در استان زنجان گفت: روز گذشته مأموران پلیس از حادثه گازگرفتگی در یکی از روستاهای اطراف با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مرد صاحب‌خانه به دلیل گازگرفتگی جانش را از دست داده‌است. مرد فوت‌شده برای گرم کردن خانه از اجاق گاز استفاده کرده و نشت دی‌اکسیدکربن ناشی از احتراق گاز، حادثه مرگبار را رقم زده‌بود. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌ها در این باره جریان دارد.

بازداشت قاتل پس از ۱۲ سال

مردی که از ۱۲ سال قبل به اتهام در شهرستان خرامه تحت تعقیب قرار داشت، بازداشت شد.

سرهنگ زمان‌اله کریمی، فرمانده انتظامی شهرستان خرامه در استان فارس گفت: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود متوجه شدند مردی که از ۱۲ سال قبل به اتهام قتل تحت تعقیب قرار داشت در شهر دیده شده‌است، بنابراین برای دستگیری وی وارد عمل شدند و متهم را بازداشت کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که متهم ۱۲ سال قبل در جریان یک نزاع با ضربات چاقو مرتکب قتل و از محل متواری شده‌بود و تلاش‌های پلیس برای بازداشت متهم با بن‌بست مواجه شد. بررسی‌های بیشتر پلیس در جریان است.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۱۴۴۵ و رای اصلاحی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۳۱۹ هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۳۹۹۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۵۹۵ تقاضای حسین علی اکبری به شماره شناسنامه ۲۱۹۹ کدملی ۲۱۲۲۵۷۱۵۵۱ صادره از گرگان فرزند محمد اسمعیل واقع دراراضی قلعه حسن درششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که یک ونیم دانگ عرصه ان وقف است به مساحت ۶۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۳۷۰۶ فرعی از ۱۲ اصلی بخش ۴ حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی دارد، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که شخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

شناسه آگهی: ۱۸۱۳۰۹۳
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۸/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۸/۲۰
مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان